

جهانی شدن فرهنگ و ارتباطات

گردآوری و تالیف :

همایون حمیدی فراهانی

کارشناس ارشد مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی

اسماعیل کاوسی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

محمدرضا حقیقی

کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

انتشارات مشق شب

سال ۱۳۹۲

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

حمیدی فراهانی، همایون. ۱۳۳۸ -
جهانی شدن فرهنگ و ارتباطات/گردآوری و تالیف همایون
حمیدی فراهانی، اسماعیل کاوسی، محمدرضا حقیقی، .
تهران: مشق شب، ۱۳۹۲.
۱۰۸ ص.
978-600-5305-68-5
فیبا
فرهنگ و جهانی شدن
حقیقی، محمدرضا، ۱۳۵۳ -
کاوسی، اسماعیل، ۱۳۴۲ -
۱۳۹۲ ح۸۲/ج۱/۴۲۱ HM۶۲۱
۳۰۶
۲۰۳۴۸۶۶

مؤسسه انتشاراتی مشق شب



ناشر: مؤسسه انتشاراتی مشق شب
نام کتاب: جهانی شدن فرهنگ و ارتباطات
نویسندگان: همایون حمیدی فراهانی، دکتر اسماعیل کاوسی، محمدرضا حقیقی
نظارت بر امور اجرایی: رضا هوشمند
صفحه آرای و طرح جلد: سارا مقدم
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول / ۹۲
چاپ: مشق شب
قیمت: ۱۰۵۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۰۵-۶۸-۵

نشانی: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان قدس، ساختمان آنتول فرانس (شماره ۲) واحد ۱۱
تلفن تماس: ۱۷ - ۶۶۹۶۲۵۱۶ - ۶۶۴۸۸۸۲۰

www.mashgheshab.com

فهرست مطالب

۸	تاریخچه جهانی شدن
۱۳	مهمترین نظریه‌های جهانی شدن
۳۲	دیدگاه‌های رایج در مورد جهانی شدن
۴۵	ابعاد جهانی شدن
۴۵	جهانی شدن در بعد سیاسی
۵۵	جهانی شدن در بعد اقتصاد
۶۲	جایگاه کنونی ایران در اقتصاد جهانی
۶۴	جهانی شدن در بعد فرهنگی
۶۸	جهانی شدن و هویت
۶۹	هویت‌یابی فرهنگی در عصر جهانی شدن
۷۰	هویت‌یابی ملی در دنیای امروز
۷۲	جهانی شدن و هویت‌یابی دینی
۷۳	جهانی شدن و فرهنگ
۷۶	دلیل گسترش سیر جهانی شدن فرهنگ
۷۷	نسبیت فرهنگی
۸۰	جهانی شدن و فرجام جهان اسلام
۸۳	جهانی شدن در بعد فنی
۸۳	شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی
۸۷	ابر بزرگراه‌های ارتباطاتی و شاهره‌های اطلاع‌رسانی جهانی
۸۸	ارتباطات و توسعه در عصر جهانی شدن
۹۲	دستاوردهای جهانی شدن
۹۴	آثار جهانی شدن
۹۷	آثار مثبت جهانی شدن
۱۰۱	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۰۳	منابع و مآخذ

مقدمه

نظریه پردازان مختلف، مراحل آغازین فرآیند جهانی شدن را در دهه‌ها، صدها و حتی هزاران سال پیش جستجو و شناسایی می‌کنند. آنان با وجود اینکه پرشتاب و گسترده‌تر شدن فرآیند جهانی شدن را در دهه‌های اخیر می‌پذیرند، آن را بسیار قدیمی‌تر می‌دانند ولی بر سر این قدمت اختلاف نظر فاحشی وجود دارد.

تحولات تاریخ بشری، که از انقلاب کشاورزی^۱ شروع، به انقلاب صنعتی^۲ کشانده شد و در حال حاضر به انقلاب اطلاعاتی^۳ رسیده است، گسترده‌تر از آن است که بتوان آن را دستاورد یک گروه یا کشور خاص قلمداد نمود. مسلماً می‌توان تحولات چند سده گذشته را به غرب، غریب‌گرایی و مثل غرب شدن نسبت داد، اما حتی اگر جهانی شدن از غرب آغاز شده باشد، امروزه عصاره پدیده دیگری تبدیل شده است. همان‌طور که انقلاب کشاورزی دستاورد مستقیم تمدن‌های خاورمیانه و نتیجه کل میراث بشری بود که بعداً جهانی شد و همان‌گونه که انقلاب صنعتی ابتدا از غرب برآمده و در حال حاضر عالمگیر شده است، انقلاب اطلاعات نیز چنین است؛ با این تفاوت که بروز و ظهور انقلاب اطلاعات نتیجه طرح و برنامه خاصی نیست و پیش‌از آن و سردمداران آن همه جایی‌اند. اگر تولیدات کشاورزی به زمین وابسته بود و تولیدات صنعتی به سرمایه و مواد خام، که همه تمام شدنی است، تولیدات اطلاعاتی به نبوغ، خلاقیت و نوآوری بشری وابسته است، در نتیجه استفاده از اطلاعات نه تنها منابع را تمام نمی‌کند بلکه باعث گسترش و توسعه آن‌ها می‌گردد.

جهانی شدن پدیده‌ای است که بروز آن در عصر حاضر موجب تغییر و تحولات بسیاری در

1. Farming Revolution

2. Industrial Revolution

3. Informational Revolution

زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در عرصه بین‌المللی شده و کشورهای بسیاری را به چالش^۱ کشانده‌است. به طوری که بیشک مهمترین و بارزترین وجه تمایز اقتصاد امروز و دیروز، جهانی شدن است.

پدیده جهانی شدن تحولات اساسی در ابعاد مختلف در جهان امروز ایجاد کرده است. در بعد اقتصادی شامل گسترش و یکپارچگی بازارهای مالی و مبادلات تجاری، ایجاد سازمانهای اقتصادی بین‌المللی نظیر اکو^۲، نفتا^۳، آس آن^۴، اتحادیه پولی کشورهای اروپایی (یورو)^۵، ادغام بازارهای مالی و بانکهای بزرگ جهان و از همه مهمتر تاسیس سازمان تجارت جهانی^۶ و در پی آن، آزاد سازی تبادل کالا و نقل و انتقال سرمایه بین کشورها و ادغام شرکت‌های تولیدی بزرگ (کرایسلر- دایملر)، همه از مظاهر جهانی شدن اقتصاد است.

در بعد سیاسی؛ این تحول با سقوط نظامهای تمامیت‌خواه و اقتدارگرایانه گرایش به دموکراسی و تکثر^۷ سیاسی و احترام به حقوق بشر، بوده است و در بعد فرهنگی؛ گرایش به سوی ایجاد فرهنگ جهانی با ارزش و معیارهای خاص و درنهایت در بعد ارتباطات شامل گسترش بی‌حد و مرز شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت در اقصی نقاط جهان است.

در آغاز هزاره ی جدید با تشدید روند "جهانی شدن" از سویی ما شاهد پدید آمدن و استحکام نهادهایی جدید فراملی از جمله سازمانهای بین‌المللی، شرکتهای چند ملیتی، نهادهای قانونگذاری بین‌المللی هستیم و از سویی دیگر مسایلی پیش روی مردم و دولتهای آنها قرار گرفته است که تا پیش از آن یا اصلاً از چنین مسایلی خبری نبود و یا به گستردگی امروز نبوده و مسایلی جهانی به حساب نمی‌آمدند، مسایلی از قبیل؛ گرم شدن کره ی زمین، شیوع هر از گاهی بیماریهای همه گیر جهانی، و تسلیحات کشتار جمعی که توانایی نابودی تمامی انبای بشر را در زمانی بسیار کوتاه دارند.

مسایلی از این دست همراه با یکپارچگی هر چه بیشتر دولت - ملتها و افراد به کمک فن آوریهای ارتباطی و رسانه ای و اقتصاد متداخل جهانی باعث گردیده است که دیگر نتوان با بکیه بر مفاهیم سنتی موجود در علوم انسانی اعم از علوم سیاسی، اقتصاد، جامعه شناسی، حقوق و ... توضیحی جامع از این مسایل بدست داد.

در واقع، امروزه ما شاهد پدید آمدن یک سیاست جهانی نوین همراه با عوامل جدید تاثیر گذار بر

1. Challenge

2. Economic Corporation Organization(ECO)

3. North Atlantic Free Trade Association(NAFTA)

4. Association of South East Asia Nations(ASEAN)

5. EURO

6. World Trade Organization(WTO)

7. Pluralism

آن هستیم. بر این اساس، بازیگران اصلی این سیاست نوین جهانی عبارتند از دولتها، جامعه های مدنی، و بازارها. هر چند که این سه عامل را نمی توان پدیده های نوظهوری در عرصه ی سیاست دانست اما مسئله ی اصلی تعریف دوباره ی نقش هر یک از این عوامل در عرصه ی سیاست است که جهانی شدن یکی از علل اصلی آن می باشد. در این راستا، هر یک از این عاملان رسانه های خاص خود را دارند و بر آن هستند که توسط این رسانه ها بر حوزه های بحث جهانی، منطقه ای و ملی تاثیر بگذارند. دولتها از طریق نهادهای سنتی قانونگذاری، اجرایی، بازارها با تخصیص منابع کمیاب مانند زمین، کار، سرمایه، اطلاعات و... و جامعه های مدنی با بسیج توده ای افراد در حول و حوش قضایایی مانند حفظ محیط زیست، بهداشت، رفاه اجتماعی و... هر یک در پی چنین امری هستند (Tehrani 2002: 61).

ما دیگر نمی توانیم دولتها را تنها کارگزاران صحنه ی بین المللی به حساب آوریم. در واقع، جهانی شدن باعث گردیده است که دولت - ملتها بخشی از قدرت و به طبع آن مسئولیتهای خود را به نهادهای فرا ملی واگذار کنند. هر چند هنوز خیلی زود است چنین نتیجه گیری کنیم که در آستانه ی پایان عصر دولتها قرار داریم اما امروزه دیگر نمی توان نقش سنتی پیشین را برای دولتها قابل شد.

با این همه نمی توان این امر را از نظر دور داشت که، امروزه هنوز حاکمیت و انحصار کاربرد نیروی قهر پیش فرض مرادفات بین دولتها است (هابرماس ۱۳۸۲، ۱۰۷) و نیز در سطح بین المللی برابری و یکپارچگی حاکمیت دولتها همچنان بعنوان پایه ی اصلی حقوق بین الملل باقی مانده است (رافلد، ۱۳۸۳، ۱۸۳). اما در هر حال، در آغاز هزاره ی جدید بسیاری از روندهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و محیط زیستی وجود دارند که بدون مداخلت و دخالت دولتها به کار خود ادامه می دهند و دولتها در مهار آنها ناتوان هستند: "در هم تنیده کی فراینده ی جامعه جهانی این پیش فرض را به معارضة کشیده است که سیاستهای محصور در قلمروی ملی هنوز بتوانند برای اداره ی سرنوشت دولت - ملتهای منفرد کفایت کنند" (هابرماس ۱۳۸۲، ۵۰). از همین رو، عده ای از صاحب نظران از جهانی شدن بعنوان قلمرو زدای یا "فوق قلمروگرایی" یاد می کنند. در این معنا، جهانی شدن از تغییر اجتماعی گسترده در ماهیت فضای اجتماعی حکایت دارد (شولت، ۱۳۸۲، ۵۰). در این معنا، اگر دوران ماقبل جهانی شدن را وضعیتی در نظر بگیریم که در آن جغرافیای اجتماعی با یک قلمرو یا سرزمین خاص تعریف شده و به آن مرتبط بود، امروزه در دوران جهانی شدن ما با "نوعی تراکم فضایی - زمانی متمایز و جدید در تاریخ معاصر" مواجه هستیم (پیشین، ۵۲).

پیشگفتار

در پی تحولات شگرف دهه‌های اخیر در عرصه ارتباطات و گسترش بی‌سابقه علم و فناوری و نزدیک شدن نقاط دوردست و بعید به یکدیگر و بالاخره افزایش چشمگیر تردها و آمدو شدها بین کشورها و قاره‌های مختلف، تدریجاً سطح و مقیاس مسائل مبتلابه جوامع و کشورها از افق‌های ملی و منطقه‌ای فراتر رفته و جهانی شده است. این فرایند که بی‌وقفه و با سرعتی فوق‌العاده همچنان در حرکت است، موجب گردیده تا منافع، مشکلات، دغدغه‌ها و حتی ذوق و سلیقه‌های مختلف در هم ادغام و در قالب و قواره‌های جدیدی فناوری بشریت قرار گیرد. امروزه اگر نتوان گفت که تمامی مشکلات و دغدغه‌های انسان‌ها جهانی شده، بی‌شک بسیاری از این مسائل در حد و اندازه‌های گذشته قابل ارزیابی نبوده و برطرف کردن انبوهی از این مشکلات، از عهده دولت‌های کوچک و بزرگ خارج شده و مشارکت کلیه دولت‌ها و ملت‌ها را می‌طلبد.

آنچه در فضای فعلی مدّ نظر اندیشمندان می‌باشد، درک و تشخیص درست و صحیح مختصات و ویژگی‌های جهان در انتظار و در حال تولد است که بایستی فرصت‌های ناب و گران‌سنگ موجود در این تحولات را رصد کرد و از آن به بهترین وجه ممکن استفاده نمود. در این راستا کتاب حاضر در تلاش است تا دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات اندیشمندان و فرهیختگان درخصوص جهانی شدن را بازتاب داده و در معرض برداشت و بهره‌برداری علاقمندان قرار دهد.

تاریخچه جهانی شدن

جهانی شدن برای نخستین بار در حیطه اقتصاد در کنفرانس «برتن» و در بعد از جنگ دوم جهانی مطرح شد. تشکیل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی از نمودهای بارز آن محسوب می شود. مباحثی که در حوزه ارتباطات در رسانه ها مطرح بود ابتدا جنبه صرفاً فرهنگی داشت و بعدها بود که به مثابه پیشوانه تئوریک نگاه اقتصادی جهانی تلقی شد. در آغاز دهه ۷۰ به دنبال طرح «دهکده جهانی» مارشال مک لوهان این مفهوم به صورت ابتدایی و با تمرکز رسانه ها و به ویژه تلویزیون وارد حوزه مطالعاتی شد. جنبه ها و محورهای اساسی جهانی شدن عبارتند از اقتصاد، فرهنگ، سیاست، و مسائل زیست محیطی. جهانی شدن در بعد اقتصادی شرایط اقتصاد کینزی را به چالش کشیده و عرضه و تقاضا دیگر صرفاً در چارچوب مرزهای ملی محدود نیست. ظهور یک نظم (یا بی نظمی) اقتصادی جدید قدرت فوق العاده ای به شرکت های چند ملیتی داده و سبب ظهور همگرایی فراملی در بخش سرمایه شده است. در بعد فرهنگی نیز امروزه وجود رسانه های جمعی، جریان مهاجرت انسان ها، توریسم موجب به هم پیوستگی فزاینده فرهنگی در جهان است. آن چه اهمیت دارد توجه به این نکته است که: جهانی شدن فرهنگی به معنای گرایش به حاکمیت یک فرهنگ واحد جهانی نیست بلکه به معنای جهانی شدن فرهنگ ها است که توأم با روندهای محلی می باشد. در بعد زیست محیطی مسائلی چون آلودگی فرامرزی (باران های اسیدی منطقه ای) وجود وابستگی متقابل زیست محیطی و آلودگی منابع مشترک زیست محیطی به وضوح با سیاست های جهانی مرتبطند. در بعد سیاسی، اهمیت یافتن نقش سازمان های بین المللی و رژیم های بین المللی حقوق بشر و دموکراتیزاسیون

سبب تقسیم شدن حاکمیت دولت ملی شده و تضعیف یا تغییر نقش آن را در پی داشته است امروزه دولت‌ها دیگر حاکم بلامنازعی در درون سرزمین‌های خود نیستند. (نش، ۱۳۸۵، ۷-۷۶). هر چند شاخص سازی پدیده‌های سیاسی در عرصه جهانی بسیار دشوار است ولی واقعیت‌های سیاسی جهانی امروزه غیر قابل انکار می‌باشد. (سلیمی، ۱۳۸۴، ۲۰-۱). دیدگاه‌های فکری راجع به جهانی شدن بسیار مختلف و گوناگون‌اند به ویژه در این امر که ماهیت جهانی شدن واقعاً چیست؟ و معیارهای آن برای جوامع مختلف چه خواهد بود؟

در حالیکه برخی اندیشمندان جهانی شدن را به مثابه نتیجه سرمایه داری توسعه یافته می‌دانند (مارکسیست‌های نو) برخی دیگر از آن به مدرنیزاسیون متاخر یا رادیکال تعبیر نموده که نهادها و رژیم‌های مدرنیته در آن در حال جهانی شدن هستند (گیدنز و بک) و در نهایت بعضی دیگر جهانی شدن را به مثابه پسامدرنیزاسیون تلقی می‌کند و فرهنگ جهانی را فرهنگ پست مدرن محسوب داشته‌اند (نش، ۱۳۸۰، ۸۰-۱۰۰). راجع به پیامدهای جهانی شدن نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که وجه مشترک آنها این عقیده است که پدیده مذکور جبری و اجتناب ناپذیر است. هرچند اندیشمندان، جهانی شدن را فرایندی چند بعدی، ناهمگون و پر از احتمال و عدم قطعیت می‌دانند اما در مجموع آن را جریانی اجتناب ناپذیر و به سوی تکامل تلقی می‌کنند که نتایج آن غیر قابل پیش بینی است. هرگونه تصور راجع به جهانی شدن وجود داشته باشد آن چه امروزه به عنوان یک واقعیت در حال وقوع است فراملی شدن روابط و پدیده‌های غیر دولتی و فراگیری قواعد، هنجارها و رژیم‌های فرا ملی در سطح جهانی است. روزنا فراملی شدن روابط و پدیده‌های غیر دولتی را تکمیل کننده روابط بین حکومت‌ها در سطح بین المللی می‌دانند که توسط ارتباطات میان افراد، تشکله‌ها، نهادها و گروه‌ها و سازمان‌های غیر دولتی به انجام می‌رسند. (یاراترز، ۱۳۷۹، ۸۳-۴). واز اواسط دهه ۸۰ شیوع بیشتری پیدا کرد و به مرور زمان در ابعاد مختلف به صورت بسیار وسیع و گسترده خود را نشان داده است. در این که جهانی شدن چیست تعاریف متعددی ارایه شده است که برای نمونه می‌توان به این تعریف اشاره کرد. مک گرو می‌گوید: «جهانی شدن عبارتست از برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولتها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده است و نیز فرایندی که از طریق آن، حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان، می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های کره زمین داشته باشد» (هلد، مک گرو، ۱۳۸۲). در مجموع می‌توان گفت که برای جهانی شدن، تعاریف متعددی ذکر کرده‌اند. واقعیت آن است که شاید نتوان برای این پدیده به دلیل تعدد ابعاد آن، یک تعریف واحد ارائه داد، اما آنچه که بیش از همه به عنوان تعریف این پدیده ذکر شده، آن است که «جهانی شدن عبارت است از فرآیند فشرده گی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن، مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند.» (گل محمدی، ۱۳۸۳، ۱۱).

برخی نظریه پردازان علاقه‌مند به بررسی ریشه‌ها، ساختارها و شبکه‌های نظام جهانی کنونی برآنند که مبدأ جهانی شدن را باید در تمدن‌های باستانی جستجو کرد. از دیدگاه آنان با شکل‌گیری چنین تمدن‌هایی در واقع فرآیند جهانی شدن آغاز شد چرا که آن تمدن‌ها به اقتضای منطق و ساختار درونی خود، تمدن‌های گسترش طلب بودند. چنین تمدن‌هایی همواره از لحاظ سیاسی، نظامی و فرهنگی، گرایش به گسترش و جهانگیر شدن داشتند و با نفوذپذیر کردن مرزهای واحدهای اجتماعی کوچک و بسته، ادغام آنها در واحدهای اجتماعی بزرگتر و فراگیرتر را ممکن می‌ساختند.

از دیدگاه نئومارکسیست‌هایی مانند آندره گوندرفرانک و ایمانوئل و آلر شتایل فرآیند جهانی شدن هنگامی آغاز شده که نطفه نظام جهانی بسته شده است و این تاریخ به ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد (گل محمدی، ۱۳۸۱، ۸۶).

دسته دیگری از نظریه پردازان که دیدگاه نسبتاً همسان دارند، تاریخ جهانی شدن را همان تاریخ تمدن جهانی می‌دانند که حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد و از مصر باستان و تمدن سومر آغاز می‌شود. نویسندگانی مانند اریک ولف و ویلکینسون به این دسته تعلق دارند (Holton, R. (1998), p.23).

دسته دیگری از نظریه پردازان، شکل‌گیری و نقطه آغاز فرآیند جهانی شدن را بسیار کوتاه‌تر از نظریه پردازان نامبرده می‌دانند. شماری از این نظریه پردازان اعتقاد دارند که با شکل‌گیری تجدد، فرآیند جهانی شدن نیز آغاز شد، مثلاً گیدنز فرآیند جهانی شدن را چیزی جز گسترش تجدد نمی‌داند. مارکس و انگلس هم درک تاریخ جهانی شدن و آغاز این فرآیند را مستلزم درک و شناخت تاریخ سرمایه‌داری می‌دانند، چرا که از دیدگاه آنان نظام سرمایه‌داری همواره دست اندر کار یکپارچه سازی اقتصادی و فرهنگی جهانی بوده است. در این دیدگاه، جهانی شدن همزاد سرمایه‌داری دانسته می‌شود. (Sweezy, P. (1997), p.89).

قدرت فرآیند جهانی شدن با قدمت مفاهیم معطوف به آن فرآیند همراه بوده است. در آثار گوناگون مربوط به جهانی شدن، واژه‌ها و مفاهیم مختلفی برای توصیف و تبیین آن به کار رفته است که در این میان، واژه جهانی^۱ جایگاهی برجسته دارد. در دوران معاصر، بیشتر از چند دهه از کاربرد واژه جهانی شدن نمی‌گذرد و کاربرد عمومی آن و واژه‌های مترادف و هم خانواده دیگر، تا حدود سال ۱۹۶۰ آغاز نشده بود.

در طول دهه هفتاد بی‌علاقگی و احتیاط محافل دانشگاهی کم کم کاهش یافت و رشته‌هایی مانند اقتصاد به کاربرد این واژه تن در دادند. با پرشتاب‌تر و گسترده‌تر شدن فرآیند جهانی شدن به